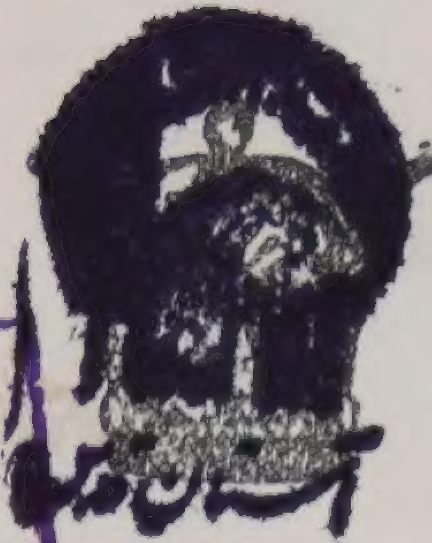


كتابخانه آستانقدس

اسم کتاب مجموعه فارسی
مصنف
مؤلف جامع محمد حسین یزدی و غیره
خطی مختلف الخط و السطر
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۳۰۵ عدد اوراق ۵۶
جزء کتب ادبیات شماره ۹۵۵
شمارهٔ عمومی ۸۱۲۰ شمارهٔ قبض
واقف تیمور منشی زاده تاریخ وقف ابان ۱۳۳۰
طول ۱۶ عرض ۱۰ گنجه



کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب ....

مؤلف متن .... محشی ....

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر ۱۳۱۰ نوع خط شکسته تعداد سطر ۱۲

جزء کتاب .... زبان فارسی عدد اوراق ۳

طول .... عرض .... شماره عمومی ....

وقفی / خریداری .... تاریخ .... وقف / خریداری ....

ملاحظات ....



بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه در حالت که همینکه برنج را از فارس بیرون می آورند و
دست بدامن لرها می رسند و بزبان حال این نوحه را ادا می کنند

روانه جانب یزد یم
یکسر راه دار دردم
اسیرم من اسیرم من
ذلیلم من حقیرم من
یکسر حموم بردم
خورنده ما را همین همدم
خورنده ما را مردم خرد
... راه دار سر زرد

ایا لرها خدا حافظ
ایا لرها خدا حافظ
ایا لرها خدا حافظ
ایا لرها خدا حافظ
شتاب ... لرزم
ایا لرها خدا حافظ
مثال شمع اوکز
ایا لرها خدا حافظ

اما راویان اخبار و ناقلان آثار و ... زربار
چنین روایت کرده که همینکه پلو را از دیگ بیرون می کنند
قورمه را در بالای آن میریزند حضرات لین پلو کسار حرمت میشود
... دوستشده ... اینها بزبان حال نوحه گویند

ز درد اشتیاق پلو ترک ... کنم
کفشم بیار سفره که تا نان جو خورم
... پلو ... ولا ... کنم
... که رفتم در و کنم

ای پلو جان
... گشاده
[illegible]

... خدا ... چقدر ...
چنینه ... یکبار ... میرسید ... تقصیر
... والله در ... گویند که جگر
... پلو ... الهوجه

... خدا ... دلم ...
کجائی ای پلو ... فراقت شوم
بیا پلو ... زرک و دوم
بیا پلو که ... رنگ و ...

پلو که محرم ما ... تفکر است
صدا ... صدمات شوم
صدا ... گوشت ... روم
... روغن آن گوشتهای ...

ز نورش خصوصاً پیک اوستادی ادا از حق ما را که باشی نصوح انگشت خورد حیرت بیاد

چو رفت رحمتان را افتاد زنش را رب با خیر هم طفلان کشیدند بسکه زنان زار زار رحمتان

شنیدند آنقدر از زنگ زبور که از گفتار گفتار خاموش چه کند سنگ او بعذر از کوه

شدند از ضعف مرگ هیچ نخود چه شد لبی که بعد هی ان که اگر بر سر ان آنم که رحمتان

نوید کبریائی داد او را زمان ان را بنهد که او گفتگو را که چنان کنجد آنم کجا از مای

ملک شاهم ز نزد کبریائی بر ای راستی ان مرد دلدار مرا نقد خدا ای نو قرار

نهادش تاج شاهی باز بر سر قبا کند از بر که درش در بر نصوح از گفته او گشت افسار

زبان از عذر و تقصیر آن کنند از خود که از خود شرمنده باشم کنه کار رو سیه و بنده باشم

ملک با نیش از خجلتش نهانند نصوح از نور شهنشه جدا شد

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۷

در دار الخلافه طهران اصلح کتبه

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی

غره شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۹

در دار العباده یزد قلمی گردید